

ارتباطات فرهنگی منطقه سرایان در هزاره‌های چهارم و سوم ق.م؛ نتایج کاوش در محوطه کله کوب سرایان، خراسان جنوبی

بهرام عنانی^۱
روح‌اله شیرازی^۲
صاحب یوسفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱
شماره صفحات: ۶۳-۷۱

چکیده

منطقه‌ی سرایان در شمال غرب خراسان جنوبی با اقلیمی نسبتاً سرد و کوهستانی واقع گردیده است. دشت‌ها و کوه‌های اطراف سرایان کاملاً مستعد زندگی در برهه‌های مختلف زندگی بشر بوده‌اند. بررسی‌های صورت گرفته در این منطقه نشان می‌دهد که اوج پیشرفت و تحول فرهنگی آن در هزاره‌های چهارم و سوم ق.م اتفاق افتاده است. هرچند پیشرفت‌های بشری دیرتر از غرب ایران به این مناطق رسید با این حال مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که نقش جنوب خراسان در تحولات منطقه پر رنگ بوده است. طی سال‌های گذشته در جنوب خراسان با کشف محوطه کله کوب و داده‌های بدست آمده از آن می‌توان به چگونگی تبادلات فرهنگی این منطقه پی برد. شناسایی سنگ لاجورد و مهره‌هایی از قبیل عقیق جگری نیز بدون شک نشان از تجارت و مبادله با محوطه‌های مشابه در جنوب شرق و همچنین محوطه‌های آسیای مرکزی دارد و یا حداقل نشان می‌دهد که در مسیر تجارت از شمال افغانستان به بین‌النهرین قرار داشته است. با توجه به مستندات موجود، محوطه کله کوب نقش مهمی را در مبادلات درون منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای ایفا می‌کرده است. هدف از انجام این پژوهش معرفی شاخصه‌های فرهنگی و نیز تعاملات و برهم‌کنش‌های صورت گرفته در هزاره‌های چهارم و سوم پ.م در جنوب خراسان می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی (کاوش) و کتابخانه‌ای (اسنادی) می‌باشد. نتایج موجود نشان می‌دهد که محوطه‌ی کله کوب با قرارگیری در شاهراه ارتباطی شرق و غرب، تحت تأثیر تحولات موجود بین این مناطق قرار گرفته و در تعاملات اقتصادی و شاید سیاسی، در طول آغاز نگارش ایفای نقش کرده است.

کلید واژه‌ها:

جنوب خراسان، برهم‌کنش‌های فرهنگی، کله کوب سرایان، آغاز نگارش، کاسه لبه واریخته

۱ - کارشناس ارشد باستان‌شناسی Bahrambastan2006@gmail.com
۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان Rouhollah.shirazi@yahoo.fr
۳ - کارشناس اداره کل میراث فرهنگی خراسان جنوبی Saheb_yousefi@yahoo.com

شهرستان سرایان در شمال غربی خراسان جنوبی و در حدود عرض جغرافیایی ۵۱ دقیقه و ۳۳ درجه و طول جغرافیایی ۳۱ دقیقه و ۵۸ درجه قرار دارد (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۳۸۸). این شهرستان از شمال و شمال غربی به شهرستان فردوس و بخش کاخک گناباد (خراسان رضوی)، از غرب به بخش دیهوک طیس (یزد)، از شرق و جنوب شرقی به بخش خضری و آرین شهر قاین و از جنوب و جنوب غربی به بخش خوسف شهرستان بیرجند متصل است و در کل همجوار با دو استان خراسان رضوی و یزد می باشد. شهرستان سرایان حدود ۹۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و از دو قسمت کوهستانی و کویری تشکیل شده است. این شهرستان در قسمت شمالی دارای ارتفاعات کوهستانی بوده، که بخش اندکی از کل شهرستان را شامل می شود، اما بخش بسیار وسیعی از آن را، بالاخص در جنوب، دشت صاف و هموار تشکیل می دهد. با توجه به بررسی های صورت گرفته در این منطقه حدود ۱۶ محوطه دارای آثار پیش از تاریخی ثبت گردید که عمدتاً در دشت و جنگل جنوب شهرهای سرایان و آیسک واقع گردیده اند (عنانی، ۱۳۹۱: ۱۹). با انجام بررسی های اولیه، عمده این آثار به هزاره های پنجم تا سوم پ.م تعلق دارند. بدون تردید با مطالعات بیشتر بر روی این منطقه و نیز آثار بدست آمده، به طور کامل تری می توان نقش منطقه مذکور را در تحولات منطقه ای و فرامنطقه ای در هزاره های چهارم و سوم ق.م تبیین کرد. محوطه کله کوب سرایان یکی از محوطه های است که شواهد عصر کالکولیتیک و مفرغ در آن بدست آمده و به عنوان یکی از این مکان ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. داده های بدست آمده از این محوطه به وضوح این نشانه ها را تأیید می کند.

محوطه ی کله کوب

محوطه مشهور به کله کوب در شهر آیسک از توابع شهرستان سرایان خراسان جنوبی و در موقعیت ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه و ۵۶ ثانیه طول جغرافیایی و ۵۸ درجه و ۲۱ دقیقه و ۵۴ ثانیه عرض جغرافیایی قرار گرفته است. ارتفاع محوطه از سطح آب های آزاد ۱۲۵۸ متر بوده و مساحتی بالغ بر هفت هکتار را شامل می شود. این محوطه در سمت جنوب غربی شهر آیسک و در میان زمین های زراعی واقع گردیده است.

محوطه کله کوب در سال ۱۳۹۰ مورد کاوش لایه نگاری قرار گرفت و دو گمانه با عنوان های «الف» و «ب» به ابعاد ۲×۲ متر ایجاد گردید. در این میان به علت کمبود هزینه، حفاری در بخشی از گمانه «الف» تا روی خاک بکر و عمق ۶۸۰ سانتی متر ادامه یافت، علاوه بر این، گمانه «ب» تا عمق ۲۲۸ سانتی متر نیز کاوش گردید.

باتوجه به عدم مطالعات دقیق باستان شناختی در جنوب خراسان، و نیز عدم انتشار اندک گزارش های موجود، محوطه های مربوط به دوران پیش از تاریخ ناشناخته مانده اند. با این حال با کشف محوطه کله کوب، که آثار و شواهدی از دوران کالکولیتیک و مفرغ را داراست، اهمیت آن بیش از پیش روشن می شود.

کلیات جغرافیایی منطقه سرایان

رشته کوهی را که کلنل مک گرگور کوه های فردوس می نامد از نقطه نظر جغرافیای طبیعی ایران دارای اهمیت زیادی است. این رشته کوه بی تردید به رشته ای مربوط است که به جنوب ترشیز (کاشمر فعلی) و از آنجا به غرب می رود، و خود در جهت مسیل های ایران قرار دارد. این کوه از شمال غربی به جنوب شرقی و از آنجا به جنوب بجنستان، غرب قاین و گناباد و شرق تون کشیده شده و دارای ارتفاع قابل ملاحظه ای است (مک گرگور، ۱۳۶۶: ۱۴۶). بلندترین کوه این رشته، سیاه کوه با ۲۸۱۳ متر بلندی است. رشته کوه دیگری تقریباً به موازات رشته قبل در جنوب غربی شهر فردوس قرار دارد. این رشته کم ارتفاع در حدود فردوس به صورت تپه ماهورهایی در آمده و به هر نسبت که به طرف جنوب شرقی پیش می رود بر ارتفاعش افزوده می شود و سرانجام به کوه های بیرجند می پیوندد. دو قلعه آن به جهت داشتن دو قلعه تاریخی اسماعیلیه معروف است و «کوه قلعه» و «کوه قلعه حسن آباد» نامیده می شود (یاحقی و بودرجمهری، ۱۳۷۴: ۹۹). در حد فاصل دو رشته کوه یاد شده، جلگه نسبتاً وسیعی در جهت جنوب شرقی شهر فردوس ایجاد شده است که بر اثر آبرفت سیلاب های بهاری استعداد کشاورزی خوبی دارد و بخش سرایان در آن واقع است (همان: ۱۰۱). بخشی از رشته کوه مذکور ادامه یافته تا وارد محدوده شهرستان قاین شود. این رشته کوه در مرز سرایان و قاین قلعه اسماعیلی معروف به «قلعه قلاع» را بر بلندای یکی از کوه های خود دارد (تصویر ۱).

شهرنشینی و نیز عمده پیشرفت‌های بشری در برهه‌ای از این هزاره‌ها اتفاق می‌افتد. بدون شک دوران کالکولیتیک و مفرغ در حال حاضر نیز از مهمترین دوران‌های مورد مطالعه باستان‌شناسی می‌باشد. دوران کالکولیتیک یا مس‌سنگی به طور معمول به سه فاز کالکولیتیک قدیم، میانی و جدید تقسیم شده است. با توجه به وسعت ایران و تنوع اقلیمی آن، ما فقط تعداد معدودی محوطه باستانی، که در آن‌ها کاوش‌های باستان‌شناختی صورت گرفته است، در اختیار داریم و حتی در مورد محوطه‌های باستانی کاوش شده، تعداد کمی تاریخ دقیق (سال‌یابی رادیوکربن) در دست است. افزون بر این با اختلافات منطقه‌ای زیاد و فاصله بسیار زیاد محوطه‌های شاخص مواجه‌ایم. همه این موارد مقایسه بین مناطق مختلف فلات ایران را در دوره مس-سنگی دشوار می‌سازد (طلایی، ۱۳۸۵: ۵)، به همین دلیل صحبت از تقسیم‌بندی درونی دوران کالکولیتیک از نظر ترتیب دوره تاریخی دشوار است.

از مهمترین شاخصه‌های این دوران کشف و بکارگیری فلز مس می‌باشد. بدون تردید پیشرفت و نوآوری در زمینه فلزکاری، از مهمترین ویژگی‌های این عصر به شمار می‌رود (همان، ۹). چگونگی ذوب فلز مس و ساختن اشیاء مسی با استفاده از روش قالب‌گیری در سیلک III کاشان مشاهده شده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۵: ۱۶۶). علاوه بر این، نوآوری‌هایی در سنت معماری از قبیل استفاده از خشت‌های سیگاری، که در سیلک III (همان) و چغامیش خوزستان (ملکشه‌میرزادی، ۱۳۸۲: ۲۱۶) مشاهده شده، نیز ایجاد گردید. همچنین تدفین عصر مس‌سنگ نسبت به دوره قبلی، یعنی نوسنگی، تغییر چندانی نداشته و همچنان تدفین در زیر مناطق مسکونی ادامه داشته است (همان). در این عصر تحولات مهمی در ساخت سفال انجام می‌گیرد. این روند تا آنجایی پیش می‌رود که هنر سفال‌گری پیش از تاریخ ایران، در این دوره به اوج خود می‌رسد (Alizadeh, 2006: 73). از تغییرات اساسی ساخت سفال در این زمان، اختراع کوره‌های پیشرفته دویخشی و چرخ سفال‌گری و به تبع آن، ساخت سفال‌های چرخساز ظریف با پخت کافی است. پدیده اواخر مس‌سنگی ایران، پیدایش ظروف سفالین مصرفی، ساده و خشن به نام کاسه‌های لبه‌واربخته است. این کاسه‌ها به لحاظ ساخت، با دست یا قالب شکل داده شده‌اند. در بعضی از محوطه‌های باستانی از جمله تپه فرخ‌آباد



تصویر ۱) قلعه قلاع در شمال سرایان (عکس از بهرام عنانی)

به طور کلی قسمت اعظم شهر سرایان را جلگه و بقیه را کوه و دشت تشکیل می‌دهد. در جنوب سرایان دشت وسیعی وجود دارد که خاک آن رس و برای کشاورزی بسیار حاصلخیز است و بیشتر این زمین‌ها در زمستان پرباران از رودخانه‌ها مشروب می‌شوند. با توجه به خشکی هوا و مساعد نبودن جنس خاک (در جلگه کویری و در کوه‌های گچی و آهکی) امکان رویش درختان موجود نیست و آنچه هم وجود داشته بر اثر عدم توجه اهالی و پی نبردن به اهمیت آن‌ها از بین رفته و سبب گسترش شن‌زارها و کویرها گردیده است (تصویر ۲). مهمترین درختچه‌های سازگار با محیط شهرستان عبارتند از: قیچ، اسکمیل، تاغ، گز و اغلب بوته‌های تریخ، اسپند، شور و کده.



تصویر ۲) دشت جنوب سرایان (عکس از بهرام عنانی)

دوران مس‌سنگی و مفرغ در ایران

هزاره‌های چهارم و سوم ق.م دستخوش تغییرات فراوانی در مناطق مختلف دنیا بوده‌اند. به نوعی این هزاره‌ها را می‌توان مهمترین دوران تاریخ بشر محسوب نمود، چرا که ورود انسان به

